

(قیمت سالانه)
از وزرا واعیان دولت بقدر
معارف دوستی شان
برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی
ومعاونین و وقارئ نکاران (فخری)
و رایگان
از عموم خریداران در داخله
(۱۲) روپیه کابل در خارجه
نیم پوند انگلیسی با محصول بوته
از طلاق و محصلین نصف قیمت
نشاهه
داخله خارجه
(۸) روپیه (۷) شلنگ

درین جریده از هر کونه علوم و وقایع سیاسی
و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
امان وحدت
۱۳۳۷
از ابتدای وطن هر که اهل دیده شد بدون خاکش
جریده برایش فرستاده میشود
قیمت یک شماره یک عباسی

(مطبوعه واداره خانه)
(ده افغانستان کابل)
سر دیر
بد محمد قاسم
امورات تحریریه بنام
اداره فرستاده شود
اداره در انتشار و اصلاح مقالات
وارده مختار است
در هر هفته یکبار نشر میشود
اور اینکه درج نشود اعلاءه نمیشود

تاریخ فری (۲۷) جادی الآخری (۱۴۰۳) هجری

(شنبه)

تاریخ شنبه (۴) دلو ۱۴۰۳ هجری

فقط به مذکورات رفع سوه تاهم اهالی نماید.
در دوره دوم پرده مداهنت و ریا کاری از روی کار برآفتد.
خانهای نفان و احترامات دنیوی و اغراض شیطانی جلوه گز
آمد و معلوم گردید که مسئله در کجاست و غرض چیست؟ در این
موقع باز حکومت از احساسات پدرانه و عواطف مریانه صرف
نظر نکرده روی مساحت کارانه پیش گرفت، ولی آن بدختان وابدی
جهات، مساحت و ملامت حکومت را حل به ضعف او نموده
بر شرارت و فضاد خوبی افزوond. همان بود که حکومت هم
قوای حریق را از هر طرف بر ایشان سوق نمود و اشرار را
از همه جهات اجاطه کرده به تسلیم عیور ساخت.
اما عبد الکریم از جاییکه آمده بود واز راهیک آمده بود
و طوریکه آمده بود پس بهمان جا واز همان راه و بهمان صورت
وزی فرار نموده رفت. قوارن کارشات جراند هندی در
(گرداسپر) بولیس حکومت هند او را دستگیر نموده
به محبس بردند.

ملا عبد الله لک و ملا عبد الرشید که نام ملان از آنها نشست
دارد تاهمین تزدیکیها در شب و قلل جمال متواتری بودند. ذرین
روزها آن دو نفر هم دستگیر شده در (الره) بحضور حضرت
عالی وزیر صاحب حریق آورده شدند و قرار امر او شان بکابل
گشیل، و دیر وزر که (۲۰) جدی بود داخل محبس ارج گردیدند
این بود وقایع آخرین سمت جنوی که بدستگیی منتظر
عصیان و رفیق شیطان ملای لک، و عبد الرشید مرد.
خانه یافت.

آخرین وقایع سمت جنوی
فرار نمودن عبد الکریم — دستگیر شدن
ملا عبد الله و ملا عبدالرشید
و احتصار آنان به کابل

نمیداند که مورث فته و آشوب سمت جنوی که در راه
زق و تعالی افغانستان جوان نبت به سائر پیش آمده های
جند ساله یک کربیوہ مهم خطرناک تری بود، ملا عبد الله
لک و ملا عبد الرشید نامان بودند که بر اثر نفوذ روحانی شان
به تحریک عوامل هنگامه طلب بادی این هرج و مرج گردیدند،
وہ اتباع بیانات کذب او شان که ناشی از جهل به حقیقت دین
و زر اثر ریا کاری و بعض هواجس نفسی و تحریکات شیطانی بود
خلق خداگر ام گشتہ هیچو حیوانات و حتی رمیده بد و بدن
هی لادر یانه و فقاد های لاشورانه اقدام ورزیده اسباب سلب
انبت و آسایش خلق الله را فراهم آوردند.

جون سررشه از هم گشیت آتش فته از مرکز منگل و
جدران به اطراف و جوانب متعلقه نیز سرایت کرد، و افکار متعدد
و عقائد مختلفه تولد یافته روسا و قائدین تازه عرض اندام نمود
و اغراض کامه و دسائیں غیر مرمیه که تحت نظر نمی آمد گشیت
گردیده و محنة نمایش از صفحه اولی به صفحه ثانی انتقال کرد.
شورش سمت جنوی بدو دور تقسیم می شود: دوره پیش از
ظهور عبد الکریم پسر امیر محمد یعقوب خان دوره بعد از ظهور
عبد الکریم در دوره اول شورش درزی حیات از دین بود که
در این دوره حکومت هم حض احترام و عملک بدین میخواست

حکومت میر دا زد؛ چنانچه در فراغ انتک عزت ماب (جورت سنگ) بست دا کتری تقریباً و بول کشیر برای حکومت باو سبده بود ادویه ملحتاج ضروری شفاخانه را با خوش خردباری کرده آورد.

حالا شما ملتفت شده این خالکشوده فرامارا نظر عین ملاحظه کنید و احوال زار مریضان خود را مد نظر آورید که از عدم ادویه جه حال داشته، در صورتیک در فراغ جند دانه (بھی دانه) که مخصوص برای دفع سرفه است نیست نشود پس بندیمی است که مرض خفیبی اشخاص مزمن و متجر بفساد گشت از طاعت و عبادت حضرت مبعود بر حق بخل و علی شانه و سقی و کوشش به امر معیشت وزنده کانی باز می مانند.

بل رفاهیت حال و سعادت احوال همه کی بصحبت و عافیت موقوف و مربوط است اگر انسان دارای نعمت بزرگ عافت بنشد البته از عینه هیچ کار بر نمی آید چنانچه تقسیم علم به (علم الادیان) و (علم الادیان) شاهد و گواه این قول است.

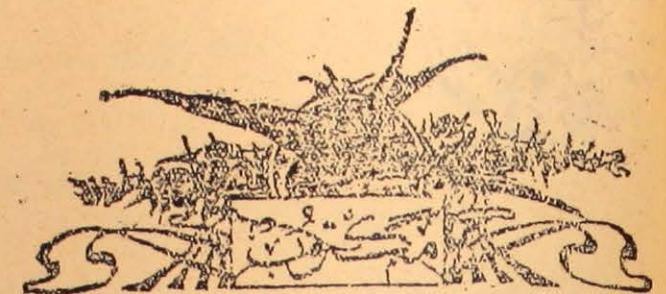
از نجاح که اعلیحضرت شریعت خواه ملت پرور تقدیر بخوبیت خیر خواهانه خویش همیشه مرغه الحالی ملت نجینه تفوار امداد نظر داشته هر فرد شان را در غایب و حضور از جان عزیز نز قاراند به تأسیس این مؤسسان نافعه برداخته بصرف زرگیری در عمله نقاط علکت شفاخانه های مستظم دایر ساختند.

برای تصدیق عرضم بر علاوه این مؤسسه قائم المفعه، مختصر آمفاد یک فرمان مهر لمان را که ترتیب عرضم بین تردیدها بسر افزایی من رسیده قرائت می ننمایم.

(عریضه مورخه ۲۸) ستبله شنا باقطعه عرضه منصب داران عکری و مامورین ملکی ورعایی آنولا بمحضوم واصل گردیده بر محیطیات آن استحضاریت حاصل شد جواب بفرمان علیحده از قام گردید.

ضمناً در عرض خود شما افسوس بسیار از ذوری حضور نموده اید که درین موقع که وقت خدمت است افسوس میگیرم که بمساوه بعد از حضور دورم در نهاد نکات بنشود اگرچه شما این عرض را از زبانی اخلاص و صداقت خود نموده اید،

اما از اعلیٰ ترین مامورین تایک فرد رعیت و ماتم در هر ولایت و محال که باشد چه بعد وجه قریب نظر توجه و شفقت من هم یکسان اند و هرج یک را بعد و از خود دور نمیدانم خصوصاً شما را اگر جه ظاهرآ بواسطه مسافه راه بید باشد باطناً حسن نیت و شفقتم در برآورده بیک صورت است و هر یک از تصرف مامورین در هر موضع که خدمت کند هم خدمت دوات و وطن



افتتاح شنا خانه

و تصمیم به تأسیس مکتب حفاظت

(وصول دفتری و فن داکتری)

(در حکومت اعلای فراغ)

جانب مستطاب اجل اکرم ادیب محترم سر دیر امان افغان
دام بخدمت کمال

اجازه بدید که احترامات عالیانه خود را تقدیم کردد
ضمناً از کیفیت افتتاح شنا خانه و تصمیم به تأسیس مکتب متبرک
حفظ و اصول دفتری و داکتری فراغ شما را معلومات بدhem:
روز شنبه شب دعویکه حکومت اعلاء اهالی آن جانموده
بعد ساعت (۹) در مجمع افتتاحیه همه مجتمع گشته پس از اخذ
مقام جانب کمال اجل اکرم حکمران صاحب اعلیٰ نطق ذیل را
ایراد فرمودند:

حضرت محترم، حضرت خالق عظیم الشان جلت عظمت که
میخواهد ماتی را از حضیض فلاکت و ادب و رقت اغیار و ارهایده
ایوج رفت و سعادت نائل گرداند زمام اختیارش را بکف کفایت
یک قائد بادیات و در این چون ذات اعلیحضرت اشرف امجد غازی
میبارد، واز یعن توجه و نیات خیر خواهانه اش در های علوم
و فنون را بروی ملت باز، واز هر طرف اسباب ترق و تمدن را
فرامن می آورد، و مات و مملکت را از هر گونه ترقیات مادی
و معنوی، مدنی و حیاتی مستغنى و مستفید میگردد.

اینست به فضل الله تعالیٰ و تقدس، و حسن بنت فرمان فرمای
معظم مان، افغانستان باندک زمان، صد ساله راه ترقیات را
علی موده عجالة بارقا و پیش قدسی های زائد الوصف نائل و به
تاسیس مؤسسات نافعه فائز گشت.

باهمه از علام ترق و آثار مدنیت پیک تأسیس شفاخانه های
ملکیست که از مراحم سرشار اه و نیات خیر خواهانه و خیالات غم
خوارانه بدرانه اعلیحضرت غازی بهمه ولایات و محالات مملکت
بصرف پول کثیری که بالخ بر لکها روپه است تأسیس و بنیاد،
وازمه بلاد اروپا داکتر های ماهر و متخصص هرگونه امراض
جل شده و مصارف شفاخانه وادیه واغذیه والبه بخاران،

حل گردیده در منظمه خارجی شهر یک علویت و احتمام مشاهده
نمود، اکنین ساکنین شهر را در روح و اخلاق مت遁 یافت. از احسان این
دو حال متصاد و معاكس فرمودند: «خانه شان بلند و همت شان بیست،
خدا یا هردو شان یکسان کن»، این آبدۀ فکریه جناب مرحوم
(شیخ سعدی) که در حق کشنه شهر حب ایراد نموده اند،

آیا بک فتوغرافی مکمل مدنیتها و متمنی دیگر که عیناً بلو
به بلوی آنان گرفته شده، نیست؟ (بحی عفیف)

باهمه مؤسس مدنیت صحیحه دین است. هر مدنیتیکه موافق

است با مقرارت حیات فردی و معشری بضریت که دین توضیح
داده آن مدنیت درست و قابل تقلید است و اگر موافق با مقرر ران

صحیحه دین نیست چون که موجب تکلیف و زحم حیات فردی
و معشری است واجب الترک است. تجدید و عصریت اگر فی الواقع

باعث راحت و آسایش و موجب تخفیف آلام و اضطرابات حیات
است بالضرورة مطابق است با مدنیتیکه دین، آن امر داده و حنی

الاجرا است. والا آن تجدید و عصریت مکروهای فاسد، ملهکه
اجماعی را خالل می نماید. دیگر مدنیتها بضریت را به حنات

اجماعی را اخلال می نماید. دیگر مدنیتها احتیاجات را از انتظام و انصباط
تشویق و از سیاست تجدیر نمی نماید و اگر فرض خاید قوہ ناید به

رای مالک نیست. دیگر مدنیتها برای بضریت بنامها و عمارت مختتم
می سازد. لباسی متنظم بیشاند، سفره های مطنطن می کشانند،

در عالم ذوق و صفاتی صوری سیر میدهد، لاؤکن باینهم به قلب
راحت، بضریت یک آسایش جدی و هروج یک علویت نمی نمند.

هرقدر که انسان از آلام و اضطرابات دیگران ذوق یاب میگردد
و حیات را خنث و فرسوده ساخته به وادی عدم سوق می نماید

با الاقل در برای آلام و اضطرابات دیگر ان تمایزیان و لاقدیمی ماند
و روح او متنی و سفلی می شود. دیگر مدنیتها مانند فاخته های

جادو، نظر خود را زینت داده خوشبویها مالیده بگردان بضریت
غافل دستهای خود را می اندازد لاؤکن در نتیجه از حیب و کیمی

و بیکس او چند بولی که دارد کشیده و گرفته جانش را می سوزاند.
اگر غایه دیگر مدنیتها تامین راحت و آسایش، افاضه علوم

به روح و صفاتی به اخلاق باشد پس قباحت دیانت که عین غایه را
استهداف می نماید چیست، اگر غایه دیگر مدنیتها هم باشد

پس آیا اهالی که نشن دهات یک و تنها، خیمه نشین های جیال
بلند، چیزیانی که عا های پشمی را پوشیده زیر سایه روح

نواز چنان ها نشته غیر از یک طوله که بدت شان می باشد دیگر
ایس و جلیس ندارند، نکاهه ایان کشناز ها که محض بعنان و نک

تیش دارند و کجی هاییک دانما نظر به انجیابات موسم از دیاری

بعدیاری نقل خان و خانه می نمایند، مدنی ترین انسانهای جهان

خصوصاً در این عصر یستم نخواهند بود؟ اگر غایه دیگر مدنیتها

در شرق اشاره میکند و رای دولت جیان معاہدۀ مذکورین

ایجاد قوہ اظہار نمود: موافقت سویقی و جایان در نتیجه خود

تغیر اوضاع در شرق اقصا پدا خواهد کرد و ملاحظه، و تصحیح

سیاسی شرق اقصا عموم مالک را بوقوع می اورد معاہدۀ

فوق الذکر به استحکام بی شک اوضاع آتحاد جاهیانه ایک شورای

تمدن دینی و مادی

ترجمه از جریده سیل الرشاد ترکی

یک مدنیتی که به حیات بضریت قیمت واهیت بدهد، راه

های راحت و آسایش فردی و معشری را نشان بدهد و آن راه

هارا تخت امیت بگیرد، غیر از مدنیت دینی نیست. دیگر مدنیتها

حیات را از حال بساط میکشند، برآمدن حیات از حالت سامت

علائق حیات را پیشتر میسازد، افزونی علائق، بردوش حیات

آقدر مساعی را تحمیل می نماید که زر آن استاده مانده نمی تواند.

اشخاصیکه در خود امکان تامین و تدارک لوازم حیات آفرینشک (فرنکی

نمی بیند، به دست رنج دیگر ان چشم خودهار امی دو زند.

دیگر مدنیتها احتیاجات را از افراید، افزونی احتیاجات در واژه

های واسع احتیاجات (حرص ها) را ایم کشاید انتظام و انصباط

اجماعی را اخلال می نماید. دیگر مدنیتها بضریت را به حنات

تشویق و از سیاست تجدیر نمی نماید و اگر فرض خاید قوہ ناید به

رای مالک نیست. دیگر مدنیتها برای بضریت بنامها و عمارت مختتم

می سازد. لباسی متنظم بیشاند، سفره های مطنطن می کشانند،

در عالم ذوق و صفاتی صوری سیر میدهد، لاؤکن باینهم به قلب

راحت، بضریت یک آسایش جدی و هروج یک علویت نمی نمند.

هرقدر که انسان از آلام و اضطرابات دیگران ذوق یاب میگردد

و حیات را خنث و فرسوده ساخته به وادی عدم سوق می نماید

با الاقل در برای آلام و اضطرابات دیگر ان تمایزیان و لاقدیمی ماند

و روح او متنی و سفلی می شود. دیگر مدنیتها مانند فاخته های

جادو، نظر خود را زینت داده خوشبویها مالیده بگردان بضریت

غافل دستهای خود را می اندازد لاؤکن در نتیجه از حیب و کیمی

و بیکس او چند بولی که دارد کشیده و گرفته جانش را می سوزاند.

اگر غایه دیگر مدنیتها تامین راحت و آسایش، افاضه علوم

به روح و صفاتی به اخلاق باشد پس قباحت دیانت که عین غایه را

تیش دارند و کجی هاییک دانما نظر به انجیابات موسم از دیاری

میشود و در بین می ساعت فوت میشود.

(مشهد ۹ جدی) — اطلاع موصول شده است که نصف شهر بر جند مرکز قاشقات نخت آب است و دریا خیل طوفانی شده است و تقریباً نصف شهر را خراب نموده.

رویه

(لدن ۲ جدی) مخبر نیس اطلاع میدهد که او ضاع داخلی رویه کسب تراکت کرده و باعث آن تولد اختلاف میان رؤساه و بزرگان حکومت رویه است، حتی کان تولید جنگ داخلی هم میرود. برای جلوگیری از خطرات این اضطرابات حکومت رویه فرمی راجع به دقت در قانون اساسی رویه و تقطیق آن باخواهات مندورها و دهقانها در سیاست صادر نموده و یک کیسیونی مرکب از (۶۵) نفر برای این کار مفرغ گردیده.

(لدن ۱۰ جدی) — پیغامی از برلن مظہر است که ایم. تروتسکی دستگیر شده فعلاً در بند بخانه کریمان در ماسکو محبوس است. گفته میشود که دستگیری و جس او توجه انکار و سرکشی او از احکام مجلس تأثیریت که بنامبرده امر شدم بود قفقازستان برود بعمل آمد است.

الاینه

پیلگرید (پای تخت سرووا ۲۰ جدی) احمدیک زوگو، وزیر اعظم سابق الاینه که بر حلف حکومت (فائلی) کامیابانه تخریب بناوت را اداره می نمود، حکومت جگو سلاوه اطلاع داده است که حکومت او حیثیت یک دولت مستقله قانون را حاصل نموده و بایستی به همین حیث شناخته شود. اطلاع موصول شده است که با غیبه شهر سقوطی (پای تخت الاینه) را تصرف نموده اند از قام خصم الاینه قشون حکومت (فائلی) را اخراج کرده اند و صرف یک عدد شش صد فرقی باقی مانده که آنها نخت محاصره میشند.

چین

(لدن ۱۲ جدی) مخبر جزیده نافر از ریگا می نگارد که قرار اطلاعاتی که از ماسکو موصول شده است و لایت منگولیا حکومت جمهوری ساوت را در ملک خویش تشکیل داده است. گفته میشود که یک حکومت جدید تشکیل داده شده که مامورین اعلای آن بالشویک ها میباشند، و حکومت مذکور مسالک بالشویک ها را مشروط بوضعیت منگولیا اختیار کرده است.

بزرگان گفته اند که هیجوقت کارهای بزرگ را با شخص بن و کوچک رجوع نکنند.

عمل فرع نیت است و شما میتوانید از اعمال اشخاص به نیات خوب و بد آنها پی ببرید.

در موقع تکمیل چند نکته باید مراحت شود: مواظبت از نام و خبر چنین، در نظر گرفتن عیب جویان و متقدین، شهامت و جرئت در بیان، سلامت و بلاغت در گفتار، مراحت مقدمه و نتیجه مطلب و جلب توجه مستمعین.

موافقت با منویات و آمال جهان که مستلزم کشان حقوق بوده باشد از عادات ریا کاران است.

دشمن را چیر کی ندهید. هر یکقدم که شما عقب نشینی میکنید دشمن دو قدم جلو میاید.

صاحب اعزام راسخ کان هستد که در میدان تمازع بقا نا آخرین دقیقه امکان، بمقاموت خود ادامه میدهد.

بزرگترین نقصه اخلاقی چنین و در رونی است

هیجوقت از اشخاص دون همت انتظار جوان مردی نداشت باشد.

کان را که اقوالشان با افعالشان تعلیق نمیشود محل اعتماد خود قرار ندهید.

غلبایک سخاوت ندارند فاقد شما نیز میباشد (میهن)

محاجه

ایران

(تهران ۹ جدی) — جبهت پذیرانی سردار پسپه که عنقریب وارد میشود یک انتظام عظیم الشان زیر نظر کرده است موزاییست طاق نصرت از در واژه شهر الی خانه مشارکه نصب کرده اند. موئی ایه بعد از گردش در شهر های مقدسه عراق عرب و نشست دادن به شیخ محمره مراجعت می نماید. این ترتیبات راجع به پذیرانی اوشنان را خیلی فوق العاده می شارند که برای پادشاهان هم اینجین معمول نگرددیده.

(مشهد ۱۰ جدی) — مرض مجھول هنوز در پل

بالخز دارم دارد. تا حال ۲۴۲ نفر بمرض مذکور فوت شده اند از مشهد داکترها بطرف موضع منبور اعزام شده اند مرض فوق اللذ که هنوز تحقیق نشده لکن علامات آن قرار ذیل است درد سرت شبید و درد سینه تمام چشم انسان ازین مرض زردی پیدای کند اگر مرض خون استفراغ کند بخت می شود والا از چشم و گوش وینی و نوک انگشت های مرض خون خارج

و عمران و عرفان آن داردند. این احساسات وطن رزو واقعیت دیانت کار آن ایشان در خور تمجید و تحسین است. رای شاه مشارکه و سار مامورین وطن عزیز توفیق خدیجه و صبوری به همچو امور نافعه خیریه که باعث اعتدالی وطن و ادب خواهد بود. است نیاز میکنیم.



خودشان است تفرق در موضع نیست امتیازی که داده شود در خدمت و صداقت شان خواهد بود نویس.

من از حسن خدمت و صداقت تان مسروشم زیاده تر توفیق صداقت و خدمت برای تان میخواهم در آنجا که خدمت میکنید عیناً مثل آن است که بحضور حاضر بوده خدمت خود را بجا می آورید.

لهذا عنان توجه هم شما را بحسن نیت ذات خسروانه منعطف ساخته مذکور میگردم: ملتفت شویش وابن نیت ملوکانه را بغور

به پند که خدمت ناکرده محض یک عرض خود مخدمتگاران همچنین نوازش ممتاز میگردم بس اگر راستکارانه چنانکه لساناً

میگویم خدمت نمایم ولطف وطنخواهی را که بزبان میرایم صدق

از قوم به فعل آورم نائل جه شفقتها خواهیم شد پس بایست

نظر بهمچو نیات شکرگذارانه و قدر شناسه آنهمه مراحم ذات خسروانه را تأسی نموده ملت و مامورین در راه استراضی

همچنین بادشان دیانت اسکننه سرهای خود را فدا سازیم و صداقت کار آن بدون اغراض نسبت به وطن خود خدمت نموده

به نهایی حضرت الهی عز اسمه و شفقتی بادشانی مدظله عرض شکران نیایم با بفحوا آیه مقدسه (ولان شکرتم لازیدنکم) نعمتی آیا ش ماکسب از دیدار نماید والا بالعکش در تحت

احکام (ولان کفرتم ان عذاب لشید) خواهیم آمد.

بر علاوه افتتاح شفاخانه، فدانی تصمیم کرده ام که امروز چند

نفر اطفال قابل تعلیم و تحفظ را بحفظ کردن قرآن عظیم النان و چند نفر را به آموختن فن داکتری و عده را به تعلیم اصول

دفتری بگمارم تا اطفال عزیز شما از هم فوائد مالاشهای مسنبید

گفته نسبت به وطن خدمتی نمایند، مع ذلك افتتاح شفاخانه و تائیس مکتب متبرک حفاظ و اصول دفتری و فن داکتری را به

همه شما تبریک میگوییم، و امید است که بتوجه (ص) محترم سر شته دار صاحب اعلی و بنده که باصول دفتری ماهریم و

و توجه خصوصی جانب فضیلت مآب حفظ خدای نظر خان و عزتند داکتر صاحب بکار دان اطفال فائز گردید در خانه از خداوند متعال از دیدار عمر وادمه سلطنت اعلیحضرت غازی را

مسئل و استرحم می نمایم آمین.

صورت افتتاح شفاخانه و تائیس مکتب متبرک حفاظ وغیره را اینست که عرض کردم اگر لازم دید درج اخبار خواهد

فرمود در خانه احترام و عرض سلام مخلص صمیم شما غلام بهادر الدین

اجرا آت فرق الذکر چنان میباشد که خباب حاکم صاحب

اعلای حکومتی فراء يک علاقه مندی مخصوصی به ترق وطن

اعلان

(از وزارت تجارت)

یک در بند نخانه خورد ضبطی ناظر محمد صفر خان اعظم سابق باش
می شود

۷۲۹ رویه و نجاه پس، قیمت شده بود

اکنون شخصی بوزارت حاضر شده قرار داد نموده که از جمله وجوه فوق مبلغ ۲۶۹ رویه داده عوعد یک سال قرار قسط سه ماه در سه ماه میرسانم .

هر کاه شخصی اضافه بر این خریدار دادو طلب باشد بوزارت حاضر شود ۲۵ جدی — بشیر احمد معین وزارت تجارت.

ایضاً

نصف سیزده و نیم باب دکان عبدالحسین آم واقع مراد خلی
که حصه سرکار است در سنه (۱۳۰۱) به مبلغ (۲۷۵۰) رویه
قیمت شده بود

اکنون شخصی بوزارت تجارت قرار داد نموده که از جمله مبلغ مذکور (۴۰۰۰) آن را نقدوباقی را به عوعد شش ماه تادیه می نماید

اگر کسی اضافه از قیمت فیض خریدار و داوطلب باشد بوزارت حاضر شود

بشیر احمد معین وزارت تجارت

زمیندار هفت وار

چون که اکثر حضرات قیمت سالانه روز نامه زمیندار یومی را تادیه نمی تونستند و نیز در بعض دهات انتظام معقول رساندن بسته نیست ، برای تسیل مشکلات فرق یک اخبار هفت وار زمیندار جاری شده است که

به کلی چیز جدا کانه است

زمیندار هفت وار خلاصه موضوعات وضامن زمیندار یومی نیست بلکه حیثیت یک اخبار مستقل دارد و بناء علیه مشترک کیان زمیندار یومی هم اکر زمیندار هفت وار را اشتراک نمایند می توانند از آن لطف وحظ بگیرند ، زمیندار هفت وار حاوی مقالات و موضوعات مهیه ، افکار و خواست متنخواه ، اقتباسات دلجب و معلومات بصیرت افزا است علاوه از منظمه ها و مقالات مولانا ظفر علی خان یک خلاصه کافی و واقعی تمام خبر های یک هفت وار در آن درج می شود ، خلاصه زمیندار هفت وار از هر جنبه برابر زمیندار یومی است

قیمت سالانه ۶ رویه کلدار

شماهه ۴

ماهه ۲ وربع

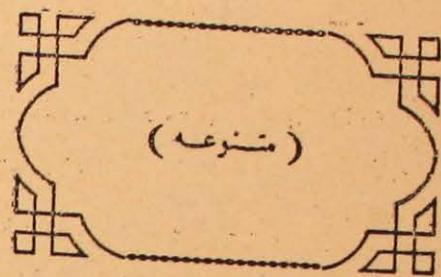
مهتمم زمیندار هفت وار

لاهور

در مطبوعه امان افغان طبع گردید

(مصر)

قامره (۲۰ جدی) حکم اخراج پارلمان از طرفه پادشاه صادر شد جلسه اول پارلمان جدید به آریخ (۵) حل منعقد می شود

(متزوعه)

مقدار سکنه اقطاع معموره روی زمین

یوجب آخرین حسابی که درخصوص تعین مقدار سکنان اقطاع معموره عالم از روی دقت برداشته شده است ، شماره اقوام و ملتها که در اراضی قابل زراعت سکنا دارند عبارت از یک میلار و چهارصد و هشتاد و هفت میلیون و شش صد هزار بوده . مقدار سکنه حوالی قطعین نیز بیصد هزار کس است

از آن جمله که گفته شد بیصد و هشتاد میلیون و دویست هزار در اروپا ، و هشتاد و نهاده میلیون در مالک آسیا ، و یکصد و بیست و هفت میلیون در خالک افریقا ، و چهار میلیون و هفتاد و سی هزار در قطعه اوسترالیا ، و هشتاد و همیلیون و دویست هزار در سرت شمالی امریکا ، و سی و شش میلیون و بیصد و بیست هزار در سرت جنوبی امریکا سکنا دارند .

مساحت سطحیه نجده از روی زمین قابل زراعت و حراثت است نیز یوجب تحقیقات ارباب فن عبارت از هفتاد و دو میلیون و دویست

و چهل و دو هزار و یکصد و نهاده و دو کیلومتر مربع است ،

از این جمله نیز نقدر دو میلیون و هشتاد و هشتاد و هشت هزار کیلومتر مربع در فرنگستان ، و همیلیون و دویست و هشتاد هزار در آسیا و پنج میلیون و هشتاد و هشت هزار در آفریقا ، و یک میلیون و یکصد و هشتاد هزار کیلومتر مربع در آمریکای شمالی ، و چهار میلیون و بیست و چهل و هشت هزار در آمریکای جنوبی و هشتاد هزار کیلومتر مربع در آمریکای جنوبی بوده است .

از جمله این تأسیمات نیز سیزده میلیون و نهصد هزار میل مربع عبارت از سیاپهای وسیع و پهناور ، و چهار میلیون و دویست و بیست هشتاد هزار میل مربع هم صحاری قفار است ، مقدار سکنه روی زمین از روی حسابی که صاحبان فن در دست دارند همه روزه در تراوید است (صدای شرق)

